

صفات

اخلاقی

امام

رضا

(ع)

هشتمین امام شیعیان، حضرت علی بن موسی الرضا (ع)، روز پنجشنبه، یازدهم ذیقعده، سال ۱۴۸ هجری - شانزده روز پس از شهادت جد بزرگوارش امام صادق (ع) - در مدینه چشم به جهان گشود. نام مبارکش را «علی» گذاشتند. کنیه اش «ابوالحسن» و القابش، رضا، صابر، رضی و وفی بود که مشهورترین آنها «رضا» است. پدر آن حضرت، موسی بن جعفر (ع) و مادرش کنیزی به نام «نجمه» بود؛ «تکتم»، «سمانه» و «ام البنین» نیز خوانده می شد.

امامت

پیشوای هشتم (ع) پس از شهادت پدر بزرگوارش امام کاظم (ع) عهده دار مقام امامت شد. امامت آن بزرگوار همچون امامت دیگر پیشوایان علیهم السلام، از جانب خدا و به تعیین و تصریح پیامبر (ص) و معرفی پدر گرامی اش صورت پذیرفت. «داوود رقی» می گوید: به امام کاظم (ع) عرض کردم: پدرم فدایت باد، پیرمرد شده ام و می ترسم حادثه ای برایم پیش آید که شما را دیگر ملاقات نکنم، بفرمایید که پیشوای پس از شما کیست؟ فرمود: فرزندم علی.

نگاهی

به

شیوه

زندگی

و

سلوک

دینی

امام رضا(ع)

پیامبر اکرم (ص) یکی از مهم ترین دلایل برانگیختگی خود را به کمال رساندن «مکارم اخلاق» دانسته است. نگاهی هرچند گذرا به قرآن و سنت پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) این نکته را به خوبی آشکار می سازد که این بزرگواران پیش از راهبری مردم به خیر و صلاح، نخست خود را به خصال نیکو می آراستند و از این حیث الگویی عملی و راستین از خیر و نیکی به آنها ارائه می دادند. امام رضا (ع) نیز به دلیل اتصال به خاندان وحی و نبوت، چونان پدران و نیاکان خویش، همت خود را بر تخلق به اخلاق الهی قرار داده بود و از این رو، الگویی بی نظیر و زنده برای مردمان هم عصرش و همه دورانها به یادگار نهاد. پژوهش و بررسی در سیره این امام همام از این واقعیت پرده برمی دارد که تنها پرورده شدن در دامان خاندان وحی است که می تواند، چنین قابلیت را به انسان عطا کند. مطلبی که از پی می آید، نگاهی است کوتاه و گذرا بر سیره اخلاقی و عملی رضای اهل بیت (ع) امامان شیعه در زمان خویش به عنوان مهم ترین شخصیت علمی، فقهی، دینی و سیاسی در برطرف کردن مشکلات و مصائب جامعه اسلامی تلاش های فراوان کردند. سلوک دینی، منش شخصی، شیوه زندگی و شخصیت سیاسی امام رضا (ع) نیز مانند دیگر امامان و ویژگی های منحصر به فردی داشت. به عبارت دیگر، زندگی و شخصیت امامان شیعه دو جنبه ارزشی متمایز و مرتبط با هم دارد: اول: شخصیت عملی و علمی و اخلاقی و اجتماعی آنان که در طول زندگی ایشان در منظر همگان شکل گرفته است و فهم و ادراک آن نیاز به پیش زمینه های اعتقادی و مذهبی خاص ندارد، بلکه هر بیننده فهیم و دارای شعور و انصاف می تواند، ارزشها و امتیازهای آنان را دریابد و بشناسد. دوم: شخصیت معنوی و الهی آنان که ریشه در عنایت ویژه خداوند نسبت به ایشان دارد. شناخت این بعد از شخصیت اهل بیت نیاز به معرفت های پیشین دارد؛ یعنی نخست باید به رسالت پیامبر اسلام (ص) ایمان داشت و بر اساس رهنمودهای آن حضرت، ولایت عترت را پذیرفت و برای شناخت جایگاه عترت به روایات و روایان معتبر اعتماد کرد.

شخصیت ملکوتی و مقام شامخ علمی و زهد و اخلاق امام رضا (ع) و اعتقاد شیعیان به او سبب شد که نه تنها در مدینه، بلکه در سراسر دنیای اسلام به عنوان بزرگ ترین و محبوب ترین فرد خاندان پیامبر اکرم (ص) مورد قبول عامه با شد و مسلمانان او را بزرگ ترین پیشوای دین بشناسند و نامش را با صلوات و تقدیس ببرند. او سرور و بزرگ بنی هاشم و گرامی ترین و شریف ترین آنها بود و به گفته ذهبی (م ۷۴۸ق)

مورخ اهل سنت، امام چنان منزلت و موقعیتی داشت که شایسته مقام خلافت بود. (۱) باوجود این، چنانکه امام رضا(ع) خود می فرمود هیچ گاه در اندیشه به دست گرفتن خلافت نبود و آنچه برای آن حضرت اهمیت و اولویت داشت روشنگری در مسائل دینی و تلاش برای آگاهی و بیداری آنان و رسیدگی به حوائج مردم بود.

روش زندگی امام رضا(ع) و رفتارش با مردم

امام رضا(ع) به اخلاق عالی و ممتاز آراسته بود و بدین سبب دوستی عام و خاص را به خود جلب فرموده بود. او شبیه ترین مردم به پیامبر اکرم(ص) بود. رفتاری پیامبرگونه داشت و حلم و رأفت و احسانش شامل خاص و عام می شد. کسی را با عمل و سخن خود نمی آزد، تا حرف مخاطب تمام نمی شد، سخنش را قطع نمی کرد. هیچ حاجتمندی را مأیوس باز نمی گرداند. در حضور میهمان به پشتی تکیه نمی داد. پیش روی کسی پای خود را دراز نمی کرد. هرگز به غلامانش دشنام نداد و با آنان می نشست و غذا می خورد.

شبها کم می خوابید و قرآن می خواند، بیشتر اوقات از اول شب تا صبح شب زنده داری می کرد. هر سه روز یک بار قرآن را ختم و در آیات آن تفکر می کرد، کسی عالم تر و پرهیزکارتر از او نبود و در همه وقت ذکر خدا می گفت. بسیار روزه می گرفت. هر ماه ۳ روز حتما روزه بود. در نهان به ویژه شبهای تاریک، بسیار به مردم احسان می کرد و صدقه می داد. کسی که از او تقاضایی داشت، اگر می توانست بی درنگ آن را برمی آورد تا مبدا از آن بی نیاز گردد و فرصت از دست برود. با مردم به نرمی سخن می گفت. هیچ گاه با سخنش کسی را نمی آزد.

نظافت را در هر حال رعایت می کرد و عطر و بخور بسیار به کار می برد. عاداتا جامه ارزان و خشن می پوشید ولی در مجالس و ملاقاتها و پذیراییها لباس فاخر بر تن می کرد. غذا را آهسته و اندک می خورد و سفره اش رنگین نبود. قبل از غذا دستها را می شست. چون صبح اول وقت نماز می گزارد تا بر آمدن آفتاب در سجده می ماند. سپس با مردم می نشست و سخن می گفت، یا سوار می شد و بیرون می رفت. در هر فرصت مقتضی مردم مسلمان را به وظایف خود آگاه می کرد. برای خنثی کردن توطئه های مأمون و اطرافیان او مراقبتی هوشیارانه داشت.

به طور کلی او دارای شخصیتی یگانه و صفاتی ویژه بود و از نظر شیعه امامیه آن حضرت دارای ملکه عصمت که از لوازم امامت است، بود. یا سر خادم گوید: امام رضا(ع) حتی در برخورد با غلامان و خادمان خود هرگز حاضر نبود که کرامت انسانی آنان را نادیده بگیرد و چیزی از حقوق آنان فرو گذارد. امام به خادمان خود می گفت اگر که مشغول خوردن طعام هستید و مرا بالای سر خود ایستاده دیدید مبدا از جای خود برخیزید مگر آنکه از خوردن فارغ شده باشید. گاهی امام خادمش را صدا می زد به او می گفتند مشغول خوردن غذا است. امام می فرمود بگذارید غذایش تمام شود.

زهد و پرهیزکاری

در روزگار امام رضا(ع) تعالیم صوفیه در خراسان و دیگر ایالات رواج یافته و جمعی از مشایخ همچون شقیق بلخی(م ۹۴ق) شاگرد ابراهیم ادهم، مریدانی را در حلقه صحبت خود می پرورد و با مفاهیمی همچون زهد، پرهیز از دنیا، قناعت و زندگی سخت آشنا می ساخت. هنگام حضور امام در خراسان، گروهی از صوفیه نزد آن حضرت رفتند و گفتند انتخاب ایشان به عنوان فردی از اهل بیت به ولایت امر و امامت

امت از سوی مأمون انتخابی شایسته بوده است؛ زیرا امت نیازمند کسی است که غذای ناگوار بخورد، لباس درشت بپوشد، الاغ سوار شود و به عیادت مریض برود. اما امام که زهد را در این ظواهر نمی‌دید، فرمود: یوسف پیامبر قبای دیبای زربافت می‌پوشید و بر اریکه فرعون تکیه می‌کرد و فرمان می‌راند. خواسته واقعی از امام و رهبر، قسط و عدل است و اینکه در گفتار صادق و در حکومت دادگر باشد و چون وعده‌ای کند، وفا نماید. راستی که خدای تعالی لباس و خوراکی را حرام نکرده است. آنگاه امام آیه ۳۲ سوره اعراف را تلاوت فرمود که: ای پیامبر بگو زیورهایی را که خداوند برای بندگانش پدید آورده و روزی‌های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده است. (۶) گفته شده است معروف کرخی (م ۲۰۰ق) از مشاهیر صوفیه از موالی امام رضا (ع) بود و به دعوت آن حضرت از آیین مسیحی به دین اسلام گروید و پس از آن پیوسته در خدمت آن حضرت بود.

علم و دانش

امام رضا (ع) دانش خود را از جد بزرگوارش پیامبر اکرم (ص) به ارث برده بود. او سرچشمه جوشانی از علم و فضیلت بود. بر همه علوم و دانش‌ها احاطه کامل داشت و مورخان و راویان در این موضوع متفق‌القولند که او دانشمندترین مردم زمان خویش و داناتر و شایسته‌تر از همه آنان در فرایض دین و دیگر علوم بود. تاریخ، بسیاری از مناظرات علمی و مباحثات فکری آن حضرت را که موجب پیروزی بر دشمنان اسلام شده برای ما بیان کرده است. از امام موسی بن جعفر (ع) روایت شده که به فرزندان خود می‌فرمود: این برادران علی، عالم آل محمد است. مسائل دین خود را از او پرسید و آنچه را به شما گوید نگه دارید. بیست و چند سال پیش نداشت که در مسجدالنبی می‌نشست و فتوا می‌داد. خود می‌فرماید: من در روزه پیامبر خدا می‌نشستم و دانشمندان مدینه چون در مسئله‌ای ناتوان می‌شدند نزد من می‌آمدند و مسائل را از من می‌پرسیدند و پاسخ می‌شنیدند. امام رضا (ع) دارای حضور ذهن، سرعت انتقال، قوت استدلال و روایی و شیوایی کلام بود. مباحثات آن حضرت با رؤسای ادیان و دانشمندان و زندیقان که آنان را با دلایل روشن و براهین قاطع محکوم و مغلوب می‌فرمود، دلیل آشکاری بر درجه حضور ذهن و سرعت انتقال آن حضرت است.

دعا و عبادت

یکی از برجسته‌ترین فضایل امام رضا (ع) سرسپردگی او به خداوند بود. این فضیلت را می‌توان به وضوح در اعمال عبادی او که بر پایه خوف الهی و دینداری قرار داشت، در زندگی آن بزرگوار مشاهده کرد: سجده‌های طولانی، نمازهای زیاد، روزه‌های مکرر، شب‌زنده‌داری‌های پر رمز و راز و همدمی همیشگی با قرآن. رجاء بن ابی‌ضحاک گوید: به خدا سوگند مردی را ندیدم که بیش از او از خداوند پروا کند، به یاد خدا باشد و از خداوند بترسد. یکی از مظاهر زندگی آن حضرت این بود که در مناجات با خداوند از دعا به مثابه یک حربه استفاده می‌کرد. حضرت به اصحاب خود نیز می‌فرمود: بر شما باد به اسلحه پیامبران که همانا دعا است و دعا بلای نازل شده و نازل نشده را دفع می‌کند.

جود و احسان

جود و احسان امام رضا (ع) از منشأ ایمان و مبدأ خیر بر مبنای فضل و کرم خداوند درباره وی سرچشمه می‌گیرد. برای آن حضرت هیچ عملی دوست داشتنی‌تر از مهربانی کردن به مردم و به خصوص به فقرا نبود. مورخین نمونه‌های بسیاری از سخاوت و بخشندگی آن حضرت را ذکر کرده‌اند: امام در نامه‌ای برای فرزندش امام جواد (ع) نوشت: به من خبر رسیده که هنگامی که سوار می‌شوی غلامان تو را از

باب صغیر بیرون می‌برند. این از بخل آنان است تا خیری از تو به کسی نرسد، به حقی که بر تو دارم از تو می‌خواهم ورود و خروجت از باب کبیر باشد و با خود دینار و درهم بردار تا هرکس از تو چیزی را طلب کند به او بدهی. پس بسیار بخشش کن، زمانی که صدقه می‌داد صورت خود را می‌پوشاند. سلیمان جعفری علت را از امام پرسید. امام فرمود: چون نیاز نیازمندی را برآورم نمی‌خواهم ذلت خواهش را در چهره او ببینم تا عزت نفسش همچنان پایدار باشد. یعقوب بن اسحاق نوبختی گوید: مردی به امام رضا(ع) عرض کرد به اندازه جوانمردی خود به من عطا کن. امام(ع) فرمود: نمی‌توانم. مرد عرض کرد به اندازه جوانمردی من عطا کن. امام فرمود: دوپست دینار به او بدهید. (۱۷) همین امام در روز عرفه همه دارایی خود را بخشید و فرمود چیزی را که با آن پاداش و بخشایش خداوند را می‌خرید، زیان به‌شمار نیاورید.

صبر و شکیبایی

استقامت امام رضا(ع) در موقعیت‌های سخت و دشواری که باعث برانگیختن بحران‌های نفسانی و عاطفی است برای ما آشکار می‌سازد. آن حضرت در زمان خلافت هارون عباسی در برابر انواع ستم‌ها و سختی‌ها مانند حبس طولانی پدر بزرگوارش، شکنجه‌ها و عذاب‌هایی که بر علویان وارد می‌شد و مصائب دیگر، صبور بود. شکیبایی و بردباری‌اش در زمان خلافت مأمون عباسی و سیاست مرموز او نیز درجه صبر و تحمل آن حضرت را نشان می‌دهد. قیام‌های سیاسی و آشفتگی اوضاع اجتماعی در دهه‌های پایانی سده دوم هجری که برای براندازی حکومت عباسی صورت گرفت و سرانجام مرگ مشکوک هارون عباسی در خراسان و درگیری سخت نظامی میان امین و مأمون و بروز مسائل تازه در مکه و مدینه و عراق و قیام‌های علویان و برخی از سادات حسنی همچون ابن طباطبا و دامن زدن به اختلاف میان سادات حسنی و حسینی و تعویض پرده کعبه و تغییر رنگ آن از سیاه به زرد طلایی و در این میان اجبار امام رضا(ع) - در نهایت ناخشنودی آن بزرگوار - به خراسان و قبول ولایت‌عهدی که به نوشته ابوالفضل بیهقی در تاریخ خود «رضا را سخت کراهیت آمد که دانست آن کار پیش نرود امام هم تن در داد. از آنکه از حکم مأمون چاره نداشت»، (۱۸) درجه صبر و شکیبایی آن حضرت را نشان می‌دهد.

تربیت و دوستی خانواده و دوستان

امام رضا(ع) به امر تربیت، تهذیب نفوس، ارشاد و نصیحت، مراقبت دقیق بر اعمال و رفتار توجه خاص داشت. اگر غلامش اسراف می‌کرد، فوراً گوشزد می‌کرد و او را از اسراف کردن باز می‌داشت. چنان که به غلام خود که سیبی را گاز زده انداخت، فرمود این کار اسراف است. حضرت عبدالعظیم حسنی گوید: امام علی بن موسی(ع) به من فرمود به دوستانم سلام مرا برسان و بگو راه نفوذی برای شیطان بر خودشان قرار ندهند. دوستانم را به سکوت و ترک مجادله دعوت کن و به آنان بگو به دیدار یکدیگر بشتابند زیرا این کار وسیله تقرب به من است. امام رضا(ع) به خانواده اهمیت زیاد می‌داد و می‌فرمود: کسی که در طلب روزی می‌کوشد و فضل خداوند را می‌جوید تا مخارج اهل و عیال خود را کفایت کند، اجرت و پاداش او از مجاهد راه خدا بیشتر است و می‌فرمود: بنده مؤمن سودی به چنگ نمی‌آورد که از هم سر شایسته بهتر باشد. همسری که چون شویب به خانه آید مایه مسرت او باشد و در مورد مردان می‌فرمود: سزاوار نیست که مردان بوی خوش را از خود دور کنند زیرا پاکیزگی و تمیزی و بوی خوش به زندگی پابرجا و مستحکم کمک می‌کند؛ (۱۹) و بالاخره امام رضا(ع) در زندگی فردی و اجتماعی خود خلق والای پیامبر اکرم(ص) را حکایت می‌کرد: *بمثل النبی فی اخلاقه فانه النابت من اعراقه در اخلاق او، پیامبر اکرم(ص) جلوه‌گر می‌شود، چرا که او برخاسته از ریشه‌های نبوی است.*